

سختی که سهل انگاشتند

شاید آنچه ابتدا باید بیان شود دلیل انتخاب این موضوع، یعنی سینمای کمدی برای پرونده‌ای است که پیش‌رو دارید.



شاید آنچه ابتدا باید بیان شود دلیل انتخاب این موضوع، یعنی سینمای کمدی برای پرونده‌ای است که پیش‌رو دارید. سال‌هاست که سینمای کمدی در تمام جهان و ایران شکل گرفته و بر مبنای اصول خاصی که برایش تعریف شده، فیلمسازان مختلف در این ژانر شروع به فعالیت کرده‌اند تا شاید بتوانند برخی تلخی‌ها و ناپیدها را با بیانی شیرین پیش چشم مخاطبان خود بازگو کنند تا به این وسیله آنچه نباید، از بین برود و آنچه باید، بر جایش بنشیند. از سالیان پیش ما نیز در سینمای خودمان شاهد شاهکارهای فراوانی بودیم که دردها و مشکلات را با زبان طنز نشان‌مان دادند و توجه افراد جامعه را به سمت آنچه جای تامل و تدبیر داشته، جلب کردند. اجاره‌نشین‌ها، مهمان مامان، لیلی با من است و... از جمله این آثار هستند که با گذشت سال‌ها هم برای مخاطبان خود جذاب هستند و حرفی برای گفتن دارند. اما متأسفانه آنچه امروز در غالب آثاری که صرفاً به نام کمدی بر پرده سینماها و حتی در سینمای خانگی قرار می‌گیرد، می‌بینیم، خط بطلانی می‌کشد بر این ژانر سینمایی که نه تنها از آن تبعیت نمی‌کند که آن را به ابتذال هم می‌کشد. در این چند سطر تلاش‌مان بر این بوده که به بررسی چرایی این اتفاق نادرست بپردازیم.

در دهه 60 وقتی فیلمسازان به شکل جدی کار فیلمسازی را آغاز می‌کنند برای چند سالی آثاری که در زمینه کودک و ملودرام‌های خانوادگی است، عرصه تاخت و تاز فیلمسازان قرار می‌گیرند و فیلم‌های ماندگاری هم از دل این سال‌ها به یادگار می‌مانند. در دهه 70 اما آنچه بیشتر مورد توجه فیلمسازان و به تبع آن مخاطبان قرار می‌گیرد، فیلم‌های اکشن است اما این دسته از فیلم‌ها نیز جز برای چند سالی بیشتر نمی‌توانند مورد توجه قرار گیرند و پس از آن آثار سینمای کمدی هستند که عرصه را به تصرف خود درمی‌آورند و برخلاف آثار دوره‌های پیشین، همچنان پابرجای ایستاده‌اند و گویی فکر ترک عرصه را هم در سر ندارند.

اما به‌راستی چرا از بین این چند گونه سینمایی، که فقط چند سالی مورد تجربه و آزمایش قرار گرفتند، فیلم‌های کمدی هنوز بر سینما مسلطند و مورد توجه فیلمسازان و مخاطبان قرار می‌گیرند؟ تغییر شرایط اجتماعی و روزهای سختی که مردم در این سال‌ها پشت‌سر می‌گذارند، تغییر ذائقه و دیدگاه مخاطبان نسبت به آثار سینمایی یا... شاید بتوانند پاسخ‌های این سؤال باشند. وقتی با کاظم راست‌گفتار، کارگردان و نویسنده سینما در این مورد صحبت می‌کنیم، در مورد چرایی این اتفاق می‌گوید: این یک کنش و واکنش است که بین مردم و سینما اتفاق می‌افتد. سینما به‌سوی نیاز مردم اجتماع پیش می‌رود.

هر زمان که جامعه در معرض بحران اقتصادی و فشارهای اجتماعی قرار می‌گیرد، علاقه‌مندی مردم به سمت سینمای کمدی بیشتر می‌شود؛ بنابراین سعی دارند آن شادی و خنده‌ای را که در زندگی واقعی پیدا نمی‌کنند، از طریق سینما به‌دست بیاورند. بحران اقتصادی‌ای که در دنیا به‌وجود آمده در سینمای آمریکا هم تأثیرگذار بوده و آن دسته از فیلم‌های کمدی پیش‌پاافتاده‌ای را که اصلاً هیچ‌وقت امیدی به موفقیت‌شان نبود، رونق بخشیده است. در نظر بگیرید خانواده‌هایی را که از صبح تا شب گرفتاری و دردهای فراوان دارند، وقتی می‌خواهند فیلمی را برای دیدن انتخاب کنند در میان آثاری که در مورد غم و بدبختی، خشونت و طنز است، ترجیح می‌دهند به سمت فیلمی بروند که از آن درگیری‌های روزمره کمی رهایشان کند و به شکل تصنعی هم که شده ساعاتی آنها را بخنداند. متأسفانه افسردگی اجتماعی زیاد شده و یکی از دلایل ماندگاری سینمای کمدی می‌تواند همین باشد.

مسعود اطیابی، کارگردان سینما هم در این زمینه معتقد است که کشور ما در حال حاضر در شرایط خاصی به‌سر می‌برد و اجتماع هم برای پشت‌سر گذاشتن بحران به شادابی نیاز دارد و سینما یکی از راه‌هایی است که می‌تواند این شرایط را برای مردم فراهم کند. او همچنین می‌گوید: با توجه به تحولات اجتماعی و وضعیتی که مردم در هر دوره دارند، تمایل‌شان به سمت گونه‌ای خاص از سینماست که البته این خاص کشور ما نیست و در همه جای دنیا همین وضعیت رایج است. به‌نظر می‌رسد استقبال مردم از این ژانر در سینما و حتی تلویزیون نشان‌دهنده نیاز مردم به شادی و خنده است.

سینمایی بدون رعایت قواعد

تا پیش از این رسم بر این بوده که فیلم‌هایی که با نام کمدی ساخته می‌شوند، از قوانین تعریف‌شده‌ای پیروی کنند که در این ژانر وجود دارد و شاید در 2 دهه گذشته آثاری را به استثنای ساخته باشند که از این قواعد پیروی نکرده و فاقد ارزش هنری بوده باشند اما متأسفانه وقتی به آثار دهه 80 نگاه می‌کنیم، هرچه پیش‌تر می‌آییم، بیشتر آثاری را می‌بینیم که جهت این استثنای را تغییر داده‌اند و کار را به جایی رسانده‌اند که فیلم‌هایی که در ژانر کمدی ساخته می‌شوند به استثنای این قواعد پیروی می‌کنند!

الگوبرداری از فیلمفارسی، تئاترهای روحوضی و حتی پیام‌هایی که بین مردم رایج می‌شوند، امروز خط‌مشی بسیاری از افرادی شده‌اند که فیلم کم‌دی می‌سازند و نتیجه‌اش هم می‌شود چیزی که حال بر پرده سینماها می‌بینیم؛ فیلمنامه‌نویسانی که به جای مطالعه و تحقیق بیشتر ترجیح می‌دهند از جوک‌ها و دیالوگ‌هایی سطحی در متن‌هایشان استفاده کنند، کارگردانان و تهیه‌کنندگانی که صرفاً به دنبال ساخت فیلمی در کوتاه‌ترین زمان ممکن و کمترین هزینه هستند و بازیگرانی که حاضرند مقابل دوربین هر کاری انجام دهند! وقتی از منظر اطمینانی به‌عنوان یک کارگردان، به چرایی این موضوع نگاه می‌کنیم، می‌گویید: در این ژانر 2 دسته از افراد فعالیت دارند؛ یکی افرادی که هنرمندان واقعی هستند و تمام تلاششان را می‌کنند تا این نیاز مردم به شادی را برآورده کنند. دسته دیگر افرادی هستند که از این نیاز سوءاستفاده می‌کنند و منافع و سودآوری خود را به مصلحت مردم ترجیح می‌دهند که نتیجه‌اش هم می‌شود همین فیلم‌های سخیف کم‌دی که امروز می‌بینید.

آنها با این کار نه تنها نیاز مردم را بر طرف نمی‌کنند بلکه باعث دلزدگی آنها هم می‌شوند. راست‌گفتار هم در مورد اینکه چرا وضعیت سینمای کم‌دی ما به اینجا رسیده، معتقد است: به‌خاطر اینکه بی‌انگیزگی و افسردگی فقط شامل حال مردم عادی نمی‌شود و فیلمسازان و تهیه‌کنندگان ما نیز درگیرش هستند. در حال حاضر بی‌انگیزگی و سردستی کارکردن در سینمای ایران غوغا می‌کند. متأسفانه فیلم‌های کم‌دی امروز به دست افراد تاجر مسلک است. چون آنها می‌دانند که در حال حاضر از این فیلم‌ها استقبال می‌شود. این را هم بگویم که به‌نظر من سینمای کم‌دی یک سینمای بسیار شریف و سخت است. ساختن یک فیلم کم‌دی بر اساس قواعد، بسیار سخت‌تر از ساختن یک فیلم جدی است. این حرف را در شرایطی می‌زنم که تجربه کار در هر دو حوزه را دارم. از طرفی متأسفانه می‌بینیم که در سینمای خانگی هم فیلم‌هایی از این دست بسیار ساخته شده و نمایش داده می‌شوند. به‌دلیل آنکه کار آنها تجارت مطلق است و فیلم‌هایی با حداقل زمان می‌سازند و مردم هم آنها را می‌بینند و می‌خندند و فردا هم فراموش می‌کنند. حال در این شرایط اگر کسی بخواهد فیلم کم‌دی بر اساس قواعد بسازد، چه باید بکند؟ ابتدا باید کسی را در این میان پیدا کند که ساخت چنین فیلمی که زمان و هزینه زیادی را می‌طلبد، بپذیرد. دومین مسئله افرادی هستند که می‌خواهند برای چنین پروژه‌ای کار کنند، زیرا امروزه همه به دنبال این هستند که قراردادی هرچه شیرین‌تر با مدت زمان کاری کوتاه ببندند و به مسائلی مانند وجود یک فیلمنامه خوب توجهی ندارند. همانطور که همه مردم به دنبال مسائل اقتصادی هستند، قشری هم که در سینما فعالیت دارند دغدغه‌شان همین مسئله است. البته در همه جای دنیا مردم همین‌طورند ولی در ایران این مسئله بیشتر است.

طنز، هجو و هزل، از دسته کلماتی هستند که شاید امروزه دسته‌ای از فیلمسازان کم‌لطف سینمای کم‌دی ایران توجه چندانی به تفاوت معنایی این واژگان نداشته باشند و از سر بی‌اعتنایی همه را در یک دسته به نام کم‌دی جای دهند و هر آنچه را که نباید، به این نام روانه سینماهای کشور کنند. اما حقیقت این است که بین این 3 واژه تفاوت‌های معنایی زیادی وجود دارد که شاید اگر به آنها توجه می‌شد، وضعیت سینمای کم‌دی مان به اینجا نمی‌رسید. در این میان وقتی با راست‌گفتار صحبت می‌کنیم مخالف این دیدگاه است و می‌گوید: این کار زیاد برای من جالب نیست که وقتی می‌خواهیم در مورد مسئله‌ای صحبت کنیم، وارد بحث‌های کلامی می‌شویم. اینها دردی از ما دوا نمی‌کنند. بالاخره همه این آثار از نظر زبان‌شناسی در دسته کم‌دی قرار می‌گیرند، منتها این دسته‌بندی‌ها خوب و بد دارند. جالب اینجاست که این فیلم‌های مبتذل بیشتر کم‌دی محسوب می‌شوند. این را به تعبیر ارسطویی می‌گویم. او معتقد است که کم‌دی تقلید از آدم‌هایی است که از ما فروترند. چارلی چاپلین، کم‌دینی است که تقلید آدم‌هایی را می‌کند که از ما فروترند و ما به بازی اوست که می‌خندیم. حال آنکه می‌دانیم شعور و درک این فرد به‌عنوان کم‌دین چقدر است. متأسفانه این فیلم‌ها به این دلیل کم‌دی‌تر هستند که ما می‌دانیم سطح شعور گروه تولیدکننده این فیلم، از سطح شعور تماشاگرانش پایین‌تر است.

از اجاره‌نشین‌ها تا اخراجی‌ها

دهه 60 فیلم اجاره‌نشین‌ها، دهه 70 لیلی با من است و دهه 80 اخراجی‌ها. اینها پرفروش‌ترین فیلم‌های کم‌دی این 3 دهه هستند که وقتی از نظر تخصصی به آنها نگاه می‌کنیم تفاوت محسوس 2 فیلم اول را با سومی می‌بینیم. اما پاسخ به این سؤال که چه اتفاقی طی این سال‌ها رخ داده که سطح سلیقه مخاطبان راهی چنین سرآشویی‌ای شده، نیازمند تحقیقات میدانی و درستی است که در این فرصت کوتاه نمی‌توان به‌طور کامل به آن پرداخت و تنها به گوشه‌ای از چرایی این مسئله می‌پردازیم. اطمینانی در این مورد دیدگاه جالبی ارائه می‌دهد. او معتقد است که دلیل این اتفاق این نیست که سلیقه مخاطب پایین آمده، بلکه مردم به‌دلیل همان نیازی که به شادی و خنده دارند، همچنان به دیدن آثار طنز می‌روند اما متأسفانه وقتی از در سالن‌های نمایش بیرون می‌آیند، ناراضی هستند. اگر هم می‌بینید که فیلم‌هایی در این بین فروش دارند، هنوز به خاطر همین نیاز است. ناگفته نماند که فروش همین آثار باعث می‌شود که عده‌ای دیگر از فیلمسازان هم از این نوع فیلمسازی تبعیت کنند و فیلم‌هایی بسازند که فاقد ارزش سینمایی هستند، در حالی که ممکن است این اتفاق به مرور باعث شود که آثار خوب هم در سال‌های بعد مورد استقبال مخاطبان قرار نگیرند. ساخت فیلم کم‌دی حرفه‌ای بسیار سخت است. از طرفی در ساخت یک فیلم، فقط کارگردان مطرح نیست و کل گروه است که باید انگیزه انجام چنین کار مشکلی را داشته باشند. وقتی افراد بی‌انگیزه‌اند دیگر دلیلی نمی‌بینند که این سختی را بر خود هموار کنند. تحقیق کنید افرادی مثل کسانی که فیلم اجاره‌نشین‌ها را کار کردند، هنوز هم هستند؟ کسانی که با عشق و لذت کارشان را انجام دادند و بحث پول و شهرت برایشان مطرح نبوده است.